

مبادی و اصول اجتماعی - اهمیت مشورت و لزوم تشکیل محفل مشورت در هر شهر

حضرت بهاء الله



(13) اهمیت مشورت و لزوم

اهمیت و لزوم مشورت در جمیع امور

- آسمان حکمت الهی بدون نور روشن و منیر است مشورت و شفقت. در جمیع امور بمشورت متمسک شوید چه که اوست سراج هدایت، راه نماید و آگاهی عطا کند

(حضرت بهاء الله، گنجینه حدود و احکام ص 225)

- در خصوص مشورت مأمور بها سؤال نموده بودید از مشورت مقصود آنست که آراء نفوس متعدده البته بهتر از رأی واحد است نظیر قوت نفوس کثیره البته اعظم از قوت شخص واحد است. لهذا شور مقبول در گاه کبریا و مأمور به و آن از امور عادیه شخصیه گرفته تا امور کلیه عمومیه. مثلاً شخصی را کاری در پیش البته اگر با بعضی اخوان مشورت کنند البته تحری و کشف آنچه موافق است گردد و حقیقت حال واضح و آشکار شود. و همچنین مافوق آن اگر اهل قریه بجهت امور خویش با یکدیگر مشورت نمایند البته طریق صواب نمودار شود. و همچنین هر صنف از اصناف مثلاً اهل صنعت در امور خویش با یکدیگر مشورت نمایند و تجار در مسائل تجاریه مشورت کنند. خلاصه شور مقبول و محبوب در هر خصوص و امور

(حضرت عبدالبهاء، گنجینه حدود و احکام ص 226)

- امور را جزئی و کلی بمشورت قرار دهید برای خویش بدون مشاوره امر مهمی مباشرت ننمائید. در فکر یکدیگر باشید، تمسیت امور یکدیگر دهید، غصه یکدیگر خورید، افراد ملت را محتاج مگذارید، معاونت همدیگر کنید تا کل متفقاً متحداً حکم یک هیکل پیدا کنید

(حضرت عبدالبهاء، گنجینه حدود و احکام ص 227)



TABLET

- ای احبای الهی در امور مشورت نمایند و از یکدیگر رأی طلبید آنچه که از شور در آید مجری دارید خواه موافق فکر و رأی شما باشد خواه نباشد. زیرا معنی شور این است که آنچه را اهل شور موافق بینند مجری دارند و حکمت را در جمیع موارد ملاحظه داشته باشند زیرا حکمت از نصوص صریحه کتب است (حضرت عبدالبهاء، لوح احباء کاشان)

- در امور کلی و جزئی انسان باید مشورت نماید تا آنچه موافق است اطلاع یابد. شور سبب تبصر در امور است و تعمق در مسائل مجهول. انوار حقیقت از رخ اهل شور طالع گردد و معین حیات در چمنستان حقیقت انسان جاری گردد، انوار عزت قدیمه بتابد و سدره وجود باثمار بدیعه مژین شود. ولی باید اعضای مشورت در نهایت محبت و الفت و صداقت با یکدیگر باشند. اصول شور از اعظم اساس الهی و باید افراد ملت در امور عادی نیز شور نمایند

(حضرت عبدالبهاء، لوح گنجینه حدود و احکام ص 227)

- قضیه مشورت در امور بسیار مهم و از اعظم وسائط راحت و سعادت نفوس. مثلاً نفسی چون در امر خویش حیران باشد و یا آنکه کاری و کسی خواهد باید احبای الهی محفلی بیارایند و تدبیری در امر او بنمایند و او نیز باید مجری دارد. و همچنین در امور عمومی چون مشکلی حاصل گردد و عسرتی روی دهد باید عقلاً مجتمع گشته مشورت نمایند و تدبیری کنند بعد توکل بحق کنند و تسلیم تقدیر شوند تا هر نوع جلوه گر گردد و پیش آید و شبهه ای نیست که عون و عنایت حق دستگیری کند. مشورت از اوامر قطعیه رب بریه است

(حضرت عبدالبهاء، لوح احباء اسد آباد همدان، گنجینه حدود و احکام ص 228)

لزوم تشکیل محفل شور و بیت عدل در هر شهر

- قد كتب الله على كل مدينة أن يجعلوا فيها بيت العدل ويجتمع فيه النفوس على عدد البهء وإن ازداد لا بأس و يرون كأنهم يدخلون محضر الله العلي الأعلى و يرون من لا يرى و ينبغي لهم أن يكونوا أمناء الرحمن بين الإمكان و وكلاء الله لمن على الأرض كلها و يشاوروا في مصالح العباد لوجه الله كما يشاورون في أمورهم و يختاروا ما هو المختار كذلك حكم ربكم العزيز العفّار

(حضرت بهاء الله، کتاب اقدس، بند 30)

- مقصود از بیت العدلی که در اینجا می فرمایند، در هر مدینه ای تأسیس شود، بیوت عدل خصوصی است، نه بیت العدل اعظم الهی. بیت العدل اعظم الهی در رأس تشکیلات است و به انتخاب جمیع اهل عالم است. ولی این بیوت عدل خصوصی حکم محفل ملی و محافل روحانی حالا را دارد (تقریرات در باره کتاب مستطاب اقدس، ص 84)
- ((قد كتب الله على كل مدينة ان يجعلوا فيها بيت العدل))، خداوند واجب کرده است که در هر شهری یک بیت العدل قرار بدهند که از احبای انتخاب بشود. ((و یجتمع فيه النفوس على عدد البهء))، حد اقل اعضای بیت العدل باید به عدد بهاء باشد یعنی نه نفر. ((و ان ازداد لا بأس))، اگر هم زیاده تر شد اهمیتی ندارد. ولی در کجا و در چه بیت العدلی در آینده باید عده زیاد بشود و چه تعداد باید زیاد بشود، اینها تشخیص با بیت

العدل اعظم الهی است که بعداً ابلاغ می فرماید. وقتی که این اشخاص جمع شدند چکار باید بکنند، ((ویرون کانهم یدخلون محضرالله العلیّ الاعلیّ))، اینها وقتی در محلی که می خواهند بیت العدل تشکیل بشود و دور هم جمع بشوند و شور بکنند، از در که وارد آن محل می شوند، باید اینطور فرض کنند که الآن جمال قدم در این محفل حاضرند و به حضور او مشرف می شوند. ((ویرون من لایری))، می بینند ذات مقدّس او را که دیده نمی شود. یعنی خود را باید در حضور حقّ فرض کنند و بعد لازم است بر آنها که برگزیدگان خدا و امین های خدا باشند در بین خلق، یعنی نسبت به امور افرادی که درباره آنها حکمی صادر می کنند یا تعیین وظیفه ای می کنند، باید در نهایت بی طرفی و از روی کمال لطف و مرحمت و عنایت باشد نه روی غرض و مرض و سایر شئون. و آنها باید خود را و کلاء و نمایندگان خدا بدانند در مقابل مردم زمین و مشورت کنند درباره امری که نافع به حال بندگان خداست برای خاطر خدا، یعنی نیتشان در مشاورت خالص باشد. اعضای بیت العدل باید برای هر یک از افراد احباء که مشکلی پیش می آید، همانطور جانفشانی و جدیت کنند مثل اینکه برای کار خود جدیت می کنند، همان طور که درباره امر خود مشورت می کنند، باید درباره امر مردم هم مشورت کنند. ((و یختاروا ما هو المختار))، و آنچه پسندیده است در عاقبت اختیار بکنند. اینطور حکم کرده است پروردگار عزیز غفار. ((ایّا کم ان تدعوا ما هو المنصوص))، مبادا ای اهل بهاء رها کنید و کار بگذارید آنچه را که در الواح الهی به نصّ صریح ذکر شده است. بترسید از خدا ای صاحبان فکر و عقل (تقریرات در باره کتاب مستطاب اقدس، ص 86)

وظائف بیت العدل در هر شهر

- جمال قدم مخاطباً للأمم میفرماید در هر مدینه از مدائن ارض باسم عدل یبقی بنا کنند و در آن بیت علی عدد الاسم الاعظم از نفوس زکیّه مطمئنّه جمع شوند و باید این نفوس حین حضور چنان ملاحظه کنند که بین یدی الله حاضر میشوند چه که این حکم محکم از قلم قدم جاری شده لحاظ الله بانّ جمع متوجه. و بعد از ورود باید و کالّه من انفس العباد در امور و مصالح کلّ تکلم نمایند مثلاً تبلیغ امرالله اولاً چه که این امر اهمّ امور است تا کلّ کنفس واحده در سرادق احدیه وارد شوند و جمیع من علی الأرض هیکل واحد مشاهده شوند. و همچنین در آداب نفوس و حفظ ناموس و تعمیر بلاد و السیاسة الّتی جعلها الله اسأ للبلاد و حرزاً للعباد ملاحظه کنند و تبلیغ امرالله نظر بحال اوقات و اعصار ملاحظه شود که چگونه مصلحت است و همچنین سایر امورات را مجری دارند و لکن ملتفت بوده که مخالف آنچه در آیات الهی در این ظهور عزّ صمدانی نازل شده نشود چه که حقّ جلّ جلاله آنچه مقرر فرموده همان مصلحت عباد است آنه ارحم بکم منکم انه هو العلیم الخبیر. و اگر نفوس مذکوره بشراط مقررّه عامل شوند البتّه بعنایات خفیّه مؤید میشوند این امریست که خیرش بکلّ راجع میشود و بسیاری از امورات است که اگر اعتنا نشود ضایع و باطل خواهد شد. چه بسیار از اطفال که در ارض بی آب و امّ مشاهده میشوند اگر توجهی در تعلیم و اکتساب ایشان نشود بی ثمر خواهند ماند و نفس بی ثمر موتش ارجح از حیات بوده. و همچنین در اغنیا و اعزّه که بعلت ضعف و پیری و یا امراض بفرق مبتلا شده اند باید در کلّ این امور و امورات دیگر که متعلق بارض است این نفوس لله تفکر و تدبّر نمایند و آنچه صوابست اجرا دارند. اگر عباد بطرف فؤاد ناظر شوند یقین میدانند که آنچه از مصدر امر نازل شده خیر محض است از برای من علی الأرض کلّ باید بمنابه جناح باشند از برای یکدیگر. نخر انسان در حکمت و عقل و اخلاق حسنه بوده نه در جمع زخارف و کبر و غرور

(حضرت بهاءالله، لوح بیت العدل، گنجینه حدود و احکام ص 214)